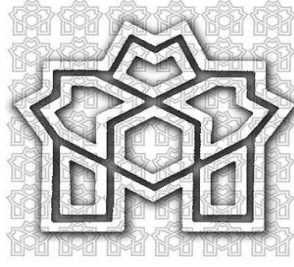


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق بشر

موضوع: فناوری صلح آمیز هسته ای و حق بر توسعه پایدار

استاد راهنما: دکتر سید باقر میر عباسی

استاد مشاور: دکتر نادر ساعد

دانشجو: عبد اله ولایتی

سال ۱۳۸۸

# دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق بشر

عنوان: فناوری صلح آمیز هسته ای و حق بر توسعه پایدار

استاد راهنما: دکتر سید باقر میر عباسی

استاد مشاور: دکتر نادر ساعد

دانشجو: عبداله ولایتی

سال ۱۳۸۸

تقدیم به مادرم  
و ملت سرافراز آذربایجان

۱	مقدمه.....
۷	بخش اول: مفهوم شناسی و مبانی نظری.....
۸	فصل اول: مفهوم شناسی توسعه پایدار.....
۸	۱. از توسعه تا توسعه پایدار.....
۸	الف) سیر تحول مفهوم توسعه.....
۹	ب) تحول نظریه پردازی در عرصه توسعه.....
۱۲	ج) توسعه پایدار پاسخ ناپایداری ها.....
۱۶	۲. تعریف و مفهوم توسعه پایدار.....
۱۶	الف) پیشینه و تحول کاربرد واژه توسعه.....
۱۸	ب) تعریف توسعه پایدار.....
۲۰	ج) محتوا و مفهوم توسعه پایدار.....
۲۳	۳. توسعه پایدار رهیافت حق محور.....
۲۳	الف) توسعه، حق بشری.....
۲۶	ب) توسعه پایدار و حقوق بشر.....
۳۰	۴. توسعه پایدار ضرورت جهانی.....
۳۰	الف) عوامل ناپایداری.....
۳۴	ب) توسعه پایدار و ضرورت رفع ناپایداری ها.....
۳۷	۵. شاخص های توسعه پایدار.....
۴۰	الف) شاخص های زیست محیطی.....
۴۰	ب) شاخص های اقتصادی و اجتماعی.....
۴۱	ج) شاخص انرژی و فناوری هسته ای.....
۴۴	۶. عملیاتی کردن توسعه پایدار.....
۴۴	الف) ابزارهای اجتماعی.....
۴۶	ب) ابزارهای اقتصادی.....
۴۷	ج) ابزارهای فرهنگی و ابزارهای سیاسی.....
۴۸	فصل دوم: توسعه پایدار: شناسایی و اعمال.....
۴۸	۱. شناسایی توسعه پایدار.....
۴۸	الف) توسعه پایدار در اسناد جهانی.....

۵۵	ب) توسعه پایدار در اسناد منطقه ای.....
۵۶	ج) توسعه پایدار در اسناد داخلی.....
۵۶	۲. عاملان توسعه پایدار.....
۵۶	الف) دولت ها.....
۵۸	ب) سازمان های بین المللی.....
۶۲	ج) سازمان های غیر دولتی.....
۶۷	<b>فصل سوم: مولفه ها، موانع و محدودیت های توسعه پایدار.....</b>
۶۷	۱. مولفه های توسعه پایدار.....
۶۷	الف) انسان.....
۶۹	ب) کودکان و نوجوانان.....
۷۱	ج) زنان.....
۷۳	د) فرهنگ و تمدن.....
۷۵	ه) آموزش و علم.....
۷۷	و) امنیت.....
۷۹	ز) مشارکت عمومی.....
۸۱	۲. موانع و محدودیت های توسعه پایدار.....
۸۱	الف) محدودیت های زیست محیطی.....
۸۲	ب) محدودیت های انسانی به لحاظ ماهیت و اهداف.....
۸۲	ج) محدودیت های زمانی.....
۸۳	د) محدودیت های فناوری.....
۸۵	ه) سایر محدودیت ها.....
۸۷	<b>بخش دوم: مفهوم شناسی فناوری هسته ای، حقوق هسته ای: شناسایی، اعمال، چالش ها و محدودیت ها.....</b>
۸۸	<b>فصل اول: مفهوم شناسی فناوری صلح آمیز هسته ای.....</b>
۸۸	۱. مقدمه و تاریخچه.....
۹۳	۲. تعریف و ویژگی های فناوری هسته ای.....
۹۷	۳. کاربردها و مزایای فناوری صلح آمیز هسته ای.....
۹۷	الف) کاربردهای فناوری هسته ای در علوم و صنایع.....
۹۹	ب) مزایای اقتصادی فناوری صلح آمیز هسته ای.....
۱۰۱	ج) مزایای زیست محیطی فناوری صلح آمیز هسته ای.....

۱۰۳	.....	۴. معایب و مخاطرات فناوری هسته ای
۱۰۸	.....	۵. انتقال، انتخاب و تغییرات فناوری
۱۰۸	.....	الف ( انتقال فناوری
۱۱۳	.....	ب ( انتخاب فناوری
۱۱۶	.....	ج ( تغییرات فناوری
۱۱۸	.....	<b>فصل دوم: حقوق هسته ای: شناسایی و اعمال</b>
۱۱۸	.....	<b>گفتار اول: شناسایی حقوق هسته ای</b>
۱۱۸	.....	۱. معاهده عدم گسترش سلاح های هسته ای (ان پی تی)
۱۲۲	.....	۲. اسناد دیگر
۱۲۳	.....	<b>گفتار دوم: سازمان ها و نهاد های فعال در زمینه هسته ای</b>
۱۲۳	.....	۱. دولت ها
۱۳۳	.....	۲. سازمان های بین المللی
۱۳۳	.....	الف) آژانس بین المللی انرژی هسته ای
۱۳۵	.....	ب) سازمان ملل متحد
۱۳۷	.....	ج) سازمان های غیر دولتی و عموم مردم
۱۳۸	.....	<b>گفتار سوم: فناوری صلح آمیز هسته ای : حال و آینده</b>
۱۳۸	.....	۱. حق بر توسعه صلح آمیز هسته ای
۱۴۱	.....	۲. توسعه فناوری صلح آمیز هسته ای ، حال و آینده
۱۵۲	.....	<b>فصل سوم: محدودیت و چالش های توسعه صلح آمیز هسته ای</b>
۱۵۲	.....	۱. محدودیت های حقوقی و سیاسی
۱۵۲	.....	الف) صلح و امنیت بین المللی
۱۵۲	.....	ب) عدم پای بندی دول هسته ای و کشورهای صنعتی به تعهدات ناشی از معاهده ان پی تی
۱۵۳	.....	ج) سیاست های دولت ها
۱۵۴	.....	د) شرایط و وضعیت دولت ها
۱۶۰	.....	۲. محدودیت های زیست محیطی
۱۶۳	.....	۳. محدودیت های فنی
۱۶۵	.....	<b>نتیجه گیری</b>
۱۷۲	.....	<b>منابع و مآخذ</b>

## چکیده

توسعه پایدار به عنوان یکی از نوین ترین و پیشروترین نظریات، در قرن حاضر همچون چتری فراگیر بسیاری از پدیده ها و همه مولفه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر گرفته است. رهیافت حق محوری به توسعه نیز لزوم تحقق توسعه در فرآیند انسان محور را مطرح کرده است، اما با توجه به اقبال جهانی به توسعه پایدار و حمایت بین المللی از حقوق بشر و این حقیقت که توسعه پایدار مقوله ای انسانی است، شناسایی و تبیین پیوند این دو موضوع از ضروریات عصر حاضر است. و این تبیین، فرآیندی را شناسایی می کند که حقوق بشر در قالب آن مطالبه و محقق شده و توسعه فراگیر و پایدار جوامع نیز پیگیری و تحقق می یابد. از سوی دیگر پیشرفت دانش بشری فناوری های نوین و روزآمدی را به بشریت عرضه کرده است، که فرآیند توسعه پایدار به بسیاری از آنها نیازمند بوده و نیازهای منبعث از توسعه پایدار لزوم بخش دیگری از آنها را اثبات می کند. در این تحقیق ضمن تبیین نظریه حق بر توسعه پایدار و در واقع پیوند توسعه پایدار با حقوق بشر و بر این مبنا و در پرتو آن به جستجوی محمل حقوقی برای اثبات لزوم دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته ای، پس از بیان مزایا و محدودیت و ضرورت های آن می پردازیم. پژوهش در دو بخش انجام می شود، که بخش اول اختصاص به توسعه پایدار و نظریه حق بر توسعه پایدار دارد و در بخش دوم، موضوعات مرتبط با فناوری صلح آمیز هسته ای مطرح می گردد.



## مقدمه

توسعه پایدار که به عنوان مناظره محوری قرن ۲۱ در سطح بین‌المللی و ملی مطرح است، پس از جنگ جهانی دوم و در معنای اقتصادی برای رسیدن به رشد اقتصادی مطرح شد. با سیر تحولات و آشکار شدن نواقص دیدگاه‌های گذشته و تجربیات جدید و با وارد شدن حق بر توسعه به عرصه حقوقی و درج آن در اسناد بین‌المللی تحت عنوان حقوق همبستگی، عرصه نوینی گشوده شد. پس از سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی و به بن بست رسیدن عقاید گذشته، جریان نظریه پردازی پیرامون توسعه متحول گردید، با شکل‌گیری جنبش حفاظت از محیط زیست و تدوین حقوق محیط زیست و تحت تأثیر این تحولات توسعه پایدار صورت بندی شد. تحرکات جهانی از جمله اجلاس‌های مختلف و اعلامیه‌های متعدد از جمله گزارش کمیته جهانی محیط زیست و توسعه و دیگر کنفرانس‌ها و اجلاس‌ها، توسعه پایدار وارد ادبیات حقوقی جهانی شد، به صورتی که حق بر توسعه در مجمع عمومی سازمان ملل پذیرفته شد. در همین حال حقوق بشر عرصه دیگری از تحولات جهانی را شکل داد. و با توجه به این تحولات، توسعه پایدار فرآیندی تعریف شد که حقوق بشر در آن محقق و منافع نسل‌ها حفظ و تحقق می‌یابد، و بدین لحاظ تمام آرمان و خواسته‌های بشری را شامل است. در این راستا هدف توسعه پایدار «حفظ و نگهداری توسعه است نه صرفاً "نگهداری طبیعت"». پس از دوره ظهور و افول نظریات توسعه که غالباً از سوی اقتصاد دانان ابراز و اعلام می‌شد. و بامشاهده تجربیات بدست آمده در طی دوران‌های متعدد و مشخص شدن نقاط ضعف و توجه به مولفه اساسی فراموش شده فرآیند توسعه و در تدوام حرکت به سوی اهداف متعالی انسانی و اعلام و حمایت از نظریه حق توسعه که ناظر بر عمل دولت‌ها در جهت توسعه همه جانبه جوامع تحت حاکمیت خود است. و همچنین مشخص شدن این حقیقت که هدف و مقصد نهایی توسعه انسان است، و توسعه‌ای مطلوب است که انسانی و انسان‌گرا باشد. و از سوی دیگر با اوج‌گیری جنبش محیط زیست‌گرایی و بیان علل ناپایداری، و با وحدت با دیدگاه انسان‌گرایی و اصل قرار گرفتن حقوق انسانی برای فرآیند توسعه، نظریه توسعه پایدار حق محور شکل گرفت. و با شناسایی ابعاد و اهداف و زمینه‌های آن قوام یافت. رهیافت حق محوری با اصل قراردادن انسان و حقوق او در فرآیند توسعه، در پی ریختن شالوده مطمئن

برای توسعه جوامع، بدون قربانی کردن حقوق انسانی و حقوق و منافع نسل حاضر و نسل های آینده است، و کلیه لوازم و ابزار این کار را مد نظر قرار می دهد. در فرآیند توسعه پایدار مولفه های گوناگونی مشارکت دارند از جمله ی مهمترین آنها انسان است. این مولفه در کنار سایر مولفه ها و عوامل نقش اصلی را در فرآیند توسعه پایدار دارد. از عواملان توسعه پایدار می توان به دولت ها و سازمان های بین المللی و غیر دولتی اشاره کرد. دولت ها نیز از موثرترین عواملان توسعه پایدار هستند که در چندین بعد بر برنامه های داخلی و ملی توسعه اثرگذار هستند، از جمله: تصمیم سازی، سیاستگزاری و برنامه ریزی، مدیریت در ابعاد مختلف، تدوین و تصویب اسناد، تأمین بودجه و امکانات، بسیج افکار عمومی، بسترسازی مشارکت ملی و جلب همکاری بین المللی و مشارکت در آن.

دولت ها در تمام کشورها نقشی بی بدیل در توسعه دارند. این دولت ها هستند که قادرند، در تمام کشورها با تدوین قوانین هم سو با توسعه پایدار، تحرک اجتماعی را در سطوح مختلف جوامع نظام بخشند. همچنین آنها قادرند بصورت مستقیم و غیر مستقیم، با ایجاد شرایط مطلوب به ایجاد تحرک در بخش خصوصی در این عرصه کمک کنند. همانگونه که ذکر شد در فرآیند توسعه پایدار مولفه های گوناگونی چون مشارکت عمومی نیز نقش آفرینی می کنند. که ورود مباحث فرهنگی بر اهمیت این مولفه ها افزوده است. در کنار این ویژگی ها توسعه پایدار با محدودیت هایی چون محدودیت های زیست محیطی، محدودیت های زمانی و محدودیت های فناوری رو به رو است. و از پدیده های نوین فناوری، فناوری صلح آمیز هسته ای است که برای خدمت به بشر جهت زندگی آسوده و مرفه بوجود آمده است. پس باید در این روند راهی برای تحقق حقوق بشر و روندی برای دست یابی به این فناوری ها جستجو کرد، که تمام منافع بشری را متضمن باشد. این پایان نامه برای جستجوی این راه حل تدوین شده است. برای این منظور ضمن شناسایی ابعاد توسعه پایدار و تشریح رهیافت حق بر توسعه پایدار شناخت فناوری هسته ای و حقوق مرتبط با آن نیز لازم است. از مهمترین اسناد در زمینه انرژی و فناوری هسته ای معاهده ان پی تی است. این معاهده از جمله قوانین تدوین شده بوسیله مرکز بین المللی فعالیت های هسته ای است که اساسنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی را نیز تدوین کرده است. معاهده ان پی تی از جمله اسناد مرتبط با خلع سلاح اتمی و در واقع اقدام اولیه در این زمینه یعنی منع گسترش سلاحهای اتمی است. با مباران اتمی ژاپن در واپسین روزهای جنگ دوم جهانی و با جلب توجه کشورها به توان تخریبی این تسلیحات مسابقه ای آغاز شد. که بر روابط بین الملل و حقوق بین الملل تاثیرات بسیاری بر جای گذاشت. به صورتی که این مسابقه از جنبه های شاخص کسب قدرت و ایجاد امنیت در قرن گذشته تلقی

می شد. با اعتراض مجموعه های جهانی که منبعث از نگرانی جامعه بین المللی و فشار افکار عمومی جهانی بود. محدودیت و ممنوعیت این سلاحها مطرح گردید، اولین بار در سال ۱۹۵۴ میلادی با پیشنهاد نخست وزیر وقت هند و با حمایت جنبش عدم تعهد موضوع منع آزمایش های هسته ای مطرح شد. مهمترین جنبه های حقوق هسته ای از جمله حق توسعه صلح آمیز هسته ای در معاهده ان پی تی آمده است. به موجب ماده ۴ معاهده ان پی تی، که از مواد مهم این معاهده است، حق دولت ها در توسعه صلح آمیز هسته ای حقی غیر قابل سلب شناخته شده است. که تحت هیچ شرایطی جامعه بین الملل یا جمعی از کشورها یا کشوری یا نهادی به هر عنوان نمی توانند این حق را از یک دولت سلب نمایند. و استیفای این حق به شرط صلح آمیز بودن محدودیتی ندارد. اما در عالم حقوق، حق در برابر شرایط و حقوق دیگر و یا تکالیف و تعهدات تحدید می شود، لکن قابل اسقاط نیست. حق توسعه صلح آمیز نیز با توجه به شرایط جوامع و جامعه بین الملل در برخورد با چند اصل اساسی محدود شده است. که این محدودیت ها ناقض اصل حق توسعه صلح آمیز نبوده، بلکه برای تامین منافع جامعه جهانی و حمایت از آن و تسهیل تحقق توسعه ملل و حفاظت از آن است. از آن جمله می توان به موضوع صلح و امنیت بین المللی اشاره کرد. در سایر مواد این معاهده نیز سایر جنبه های حقوق هسته ای تصریح شده است. از آن میان در ماده ۵ معاهده ان پی تی آمده است، که فواید ناشی از آزمایش های هسته ای باید به گونه ای عادلانه توزیع گردد. و دولت های هسته ای به این امر متعهد هستند. و بر این اساس یکی از تعهدات مثبت مندرج در معاهده ان پی تی موضوع ماده ۵ است، که از حقوق کلیه اعضاء معاهده است. با توجه به مفاد معاهده از نقش آفرینان و متعهدان اصلی در عرصه فناوری هسته ای، دولت ها هستند. و از تکالیف آنها تدوین قوانین و ایجاد ساختارهای مناسب است. تعهد و تکلیف مهم دیگر برای دولت ها در خصوص فرآیند دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته ای در قالب رهیافت توسعه پایدار جلب مشارکت عمومی و همکاری بین المللی است، همچنین بدون مشارکت عمومی و همکاری بین المللی امکان رسیدن به آرمان های مشخص توسعه پایدار چندان به واقعیت مقرون نیست. فناوری صلح آمیز هسته ای نیز از این شرط مستثنی نیست. بلکه بنحو اولی بایستی در قالب توسعه پایدار با رعایت و عمل دقیق به دو گام مهم یاد شده اقدام شود، تا اولاً "رسیدن و دستیابی به فناوری تسهیل و هزینه ها تقلیل یابد. و از سوی دیگر اعتماد عمومی داخلی و بین المللی بنحو سریع تری جلب شود. و همچنین لزوم دستیابی به این فناوری صلح آمیز روشن شود. چه اینکه جامعه باید از فواید و مضرات یک فناوری آگاهی کامل داشته باشد تا بتواند درباره آن قضاوت کند. حق بر توسعه صلح آمیز مندرج در ماده ۴ معاهده «ان پی تی» هم بر اساس معاهده و هم بر پایه اصول حقوق بین الملل و از همه مهم تر حقوق بشر در قالب حق بر توسعه پایدار، حق هر دولت طرف معاهده است. و از سوی دیگر به موجب معاهده در قبال پای

بندی به منع تسلیحات سلاح هسته ای، توسعه صلح آمیز حق و حتی تعهد اعضاء معاهده ان پی تی است، چه اینکه سلب یک حق بدون فواید و در قبال منافع و تعهدات دیگران از نظر حقوقی بی معناست. شناسایی بین المللی حق بر توسعه صلح آمیز، عدم انکار آثار آن را نیز نتیجه می دهد. و به عنوان تعهد و تکلیف دولت های عضو معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای اثبات می شود.

باتوجه به تحولات سریع فناوری در عرصه جهانی اهمیت فناوریهای پیشرو بویژه فناوری هسته ای صلح آمیز روز افزون است. این فناوری نیز به عنوان یک فناوری برتر در مسیر تحول قرار دارد. که انتخاب و انتقال آن باید با توجه به تحولات و دگرگونی آن از جمله نسل جدید راکتور ها و غیر آن صورت گیرد. آژانس بین المللی انرژی اتمی نقش اساسی را در تسهیل و توسعه و استفاده از انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز بر عهده دارد. در فرآیند دستیابی به این فناوری توصیه شده است، دولتها در جهت اطمینان بخشی و صلح آمیز بودن روش مفاهمه را جهت دستیابی به بالاترین سطح ایمنی و سلامت بکار گیرند. و همکاری های بین المللی را در جهت عدم اختفای فعالیت های هسته ای تشویق کنند.

بهره مندی از تسهیلات بین المللی در فرآیند دست یابی لازم و راه گشاست. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) و آژانس هسته ای وابسته به آن نیز نقش مهمی در رعایت ملاحظات مربوط به انرژی هسته ای بوسیله تحلیل های علمی محکم دارد. دیدگاههای اقتصادی در مورد آینده انرژی هسته ای حاکی از آن است، که بر اساس تحلیل سطح تقاضا و منابع عرضه انرژی در جهان و توجه به توسعه فناوری های موجود و حقایق نظیر روند تهی شدن منابع فسیلی در دهه های آینده، مزایای زیست محیطی انرژی اتمی و همچنین استناد به آمار و عملکرد اقتصادی و ضریب بالای ایمنی نیروگاههای هسته ای، مضرات کمتر چرخه سوخت هسته ای نسبت به سایر گزینه های سوخت و پیشرفتهای حاصله در زمینه نیروگاههای زاینده و مهار انرژی گداخت هسته ای در طول نیم قرن آینده، بدون تردید انرژی هسته ای یکی از حامل های مهم قابل دسترسی و از منابع اطمینان بخش انرژی جهان در هزاره سوم میلادی به شمار می رود. با توجه به این مسائل این پژوهش در جستجوی محملی حقوقی با تضمین حقوق انسانی نسل های حاضر و آینده برای دستیابی به فناوری هسته ای است. و با طرح پرسش های زیر و در پاسخ به آنها راه حل مساله را جستجو می کند.

۱- برای توسعه پایدار به فناوری صلح آمیز هسته ای نیازی وجود دارد؟

۲- توسعه پایدار چه تأثیری بر روند دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته ای دارد؟

پاسخ به هر کدام از سوالات فوق، فرض هایی را در اختیار ما می گذارد. تا با یافته های تحقیق و در جستجوی پاسخ پرسش ها به سنجش آنها بپردازیم و آن فرضیه ها عبارتند از:

- ۱- در فرآیند توسعه پایدار، فناوری صلح آمیز هسته ای ضرورتی ندارد.
  - ۲- توسعه پایدار فرآیند دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته ای را تقویت کرده و ارتقا می بخشد.
- بررسی سوالات و فرضیات ما را به اهمیت این تحقیق راهنمایی می کند. این تحقیق با توجه به اقبال جهانی به هر دو موضوع و تداخل آنها با همدیگر و موانع و مشکلات پیش روی جوامع و تأثیر آنها بر سرنوشت کشورها و از سوی دیگر اثر مستقیم بر حقوق و منافع مردم در حال حاضر و آینده ضرورتی تمام عیار دارد. و برای گشودن راهی است که روند درست و منطقی برای دست یابی به فناوری هسته ای و توسعه پایدار و تأثیرات متقابل آنها و لزوم ضرورت هریک و اولویت هر کدام را بازگو می کند تا تصمیم گیران را راهنمایی و ذینفعان را آگاه نماید.

در موضوع توسعه پایدار تحقیقات بسیار انجام شده و کتاب های زیادی تالیف و انتشار یافته است و چندین پایان نامه در داخل دفاع شده است. از طرف دیگر موضوع فناوری هسته ای نیز چه از جنبه حقوقی و چه از جنبه فنی مورد بررسی بسیاری بوده است اما ارتباط این دو موضوع برای اولین بار و از این دیدگاه برای نخستین بار مورد بررسی قرار می گیرد. یکی از مشکلات مهم این تحقیق، نبود تعریف جامع برای توسعه پایدار است. همچنین نبود منابع کافی به ویژه منابع داخلی و همچنین عدم ارائه اطلاعات و همکاری از سوی مراجع و سازمان های داخلی از جمله سازمان انرژی اتمی از مشکلات این تحقیق بود. از عمده منابع مورد استفاده در این تحقیق، منابع اینترنتی هستند. که به لحاظ نبود تحقیقات به ویژه فارسی اهمیت بالایی دارند. این پژوهش در دو بخش تدوین یافته است که بخش اول در سه فصل به بررسی مفهوم شناسی توسعه پایدار با ارائه تاریخچه، تعاریف، شاخص ها، ضرورت ها، و تشریح رهیافت حق محوری با استناد به اسنادی چون منشور ملل متحد و اعلامیه وین و سایر اسناد پرداخته، و ارتباط توسعه پایدار با حقوق بشر را تشریح می کند. در فصل دوم همین بخش در گفتار اول شناسایی توسعه پایدار در قالب اسناد جهانی، منطقه ای و داخلی ارائه و در گفتار دوم عاملان توسعه پایدار از جمله دولتها، سازمان های بین المللی و سازمان های غیر دولتی با بررسی نقش، حقوق و تکالیف آنها مطرح می شود. در فصل پایانی این بخش مولفه های توسعه پایدار از جمله انسان، فرهنگ و تمدن، امنیت، مشارکت عمومی و سایر مولفه ها و ارتباط آنها با حقوق بشر و تأثیر فناوری صلح آمیز هسته ای بر آنها مورد بحث قرار می گیرد. در ادامه این فصل موانع و محدودیت های توسعه پایدار از جمله محدودیت های انسانی، فناوری و

زیست محیطی ارائه می گردد. در بخش دوم حقوق هسته ای و مسائل مربوط به آن در سه فصل ارائه می شود . در فصل اول مفهوم شناسی فناوری هسته ای و در فصل دوم در دو گفتار ، شناسایی حقوق هسته ای و حقوق و تکالیف سازمان ها و نهادهای فعال در زمینه هسته ای و حق بر توسعه صلح آمیز هسته ای ، شرایط حال و آینده مطرح گردیده است. در فصل سوم بخش دوم نیز محدودیت ها و چالش های توسعه صلح آمیز هسته ای از جمله محدودیت های حقوقی و سیاسی و فنی و زیست محیطی بررسی شده است. امید است این تحقیق راهنمایی برای تصمیم گیران و چراغی برای روشننگری افکار عمومی باشد. در اینجا بر خود لازم می دانم از زحمات استاد راهنمای محترم جناب آقای دکتر سید باقر میر عباسی و استاد مشاور محترم جناب آقای دکتر نادر ساعد و بویژه از راهنمایی های استاد داور پایان نامه جناب آقای دکتر محمد رضا ضیائی بیگدلی در اصلاح تحقیق صمیمانه تشکر نمایم. همچنین از سایر استادان محترم و همه کسانی که به هر طریق در این پژوهش مرا یاری کردند و ذکر نام آنان مقدور نیست، سپاسگزارم.

## بخش اول

مفهوم شناسی و مبانی نظری

## فصل اول: مفهوم شناسی توسعه پایدار

در این بخش مفاهیم و اصول توسعه پایدار را بررسی می‌کنیم تا با شناخت ابعاد توسعه پایدار، رهیافت حق بر توسعه پایدار ارائه شود. در گفتار آغازین پس از بیان تاریخچه تعاریف مربوط به موضوع ارائه می‌شود. در ادامه مطالب، ضرورت و شاخص‌های موضوع را مورد بحث قرار می‌دهیم.

در این گفتار در شش قسمت به شرح تاریخچه، تعریف و مفهوم توسعه پایدار، تبیین رهیافت حق محوری و همچنین ضرورت توسعه پایدار و علل و عوامل و دلایل آن می‌پردازیم. در ادامه مباحث شاخص‌های توسعه پایدار در سه عنوان زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی و شاخص انرژی مطرح و در نهایت طرق عملیاتی کردن توسعه پایدار و زمینه‌ها و نیازهای آن بحث می‌شود.

### ۱) از توسعه تا توسعه پایدار

جامعه بشری پس از تجربه تئوری‌های مختلف توسعه در عرصه عمل به نگاه جدید در این باره رسید که منجر به شکل‌گیری توسعه پایدار شد و نقطه آغازین این بحث تحول نظری و مفهومی توسعه است.

### الف) سیر تحول مفهوم توسعه

جامعه بشری برای رسیدن به توسعه و پس از آن توسعه پایدار مسیری تاریخی و پر تحول را گذرانده است. برای شناخت تاریخچه توسعه پایدار و بررسی تحولات مرتبط با آن باید توسعه و مسیر تحول تاریخی و علمی آن را مورد بررسی و دقت قرار داد، چه اینکه در بدو امر باید فرآیند توسعه وجود داشته و در جهت توسعه اقدام شود. تا بحث پایداری توسعه به میان آید. و صفت پایداری، ماهیت، خصوصیت و بلکه فرایند، ابعاد و عوامل توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «پیشینه مباحث مرتبط با توسعه به اندازه دانش اقتصاد است بصورتی که در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی اقتصاددانان نظریه پردازان توسعه بودند»<sup>۱</sup> «واژه توسعه در نخستین کاربردش به زبان فرانسه و انگلیسی در سال ۱۷۵۲ میلادی به معنای رسیدن به اهداف یا ایده‌هایی طبق یک طرح یا برنامه بود، سپس این واژه به عنوان مراحل مشخصی در برنامه و بعد به مثابه توالی بیولوژیک تغییر به کار رفت. از آن پس تحت تأثیر قالب فکری دارونیسیم، توسعه برای توصیف تغییرات بیولوژیکی بکار گرفته شد و با واژه رشد مترادف گردید»<sup>۲</sup>. اما رواج مباحث توسعه هم در عرصه نظری و علمی و هم عملی بعد از جنگ جهانی دوم

.....  
[www.tadbir.ir](http://www.tadbir.ir)

۱) حسین علی بهرامزاد، «توسعه پایدار»، سازمان مدیریت صنعتی در:

۲) احمد موثقی، «توسعه، سیر تحول مفهومی و نظری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶، ۱۳۸۳،



بود. در آغاز به وسیله زیست شناسان جایگزین روند ارگانیکی شد. اما از دیدگاه اقتصادی توسعه به معنای توانایی اقتصاد ملی برای ایجاد و تداوم رشد سالانه تولید ناخالص ملی قلمداد می شود. با اوج گیری مکاتب فلسفی، جامعه شناختی و تاریخی و ترکیب نظریات طبیعی با فلسفه تاریخ جریان های فکری تازه ای شکل گرفت، و این روند در قرن ۱۹ با ظهور فلاسفه و اندیشمندانی چون هگل و مارکس ابعاد جدیدی یافت، به صورتی که در قرن ۱۹ میلادی انسان و توسعه او مبنای قرار گرفت. با صورت بندی «مکاتب اقتصادی» و ارائه ی نظریات اقتصاددانان کلاسیک، توسعه ی اقتصادی مطرح گردید و «توسعه» به عنوان مفهومی مطرح شد که بر تکامل نظام های اجتماعی بشری از اشکال ساده تر به اشکال پیچیده تر، متریقی تر و تکامل یافته تر دلالت کرد. با ورود اندیشه های جدید و طرح واژگانی چون ترقی، مدرنیسم، نوسازی، غربی سازی و وابستگی تحولات ادامه یافت. و هر یک از این دیدگاه ها در برخورد با توسعه پیوندهای جدیدی را شکل دادند. با تحقق رنسانس دگرگونی های عمیق، اساسی، ساختاری و انقلابی در اروپا بوجود آمد. با تحقق انقلاب صنعتی در انگلستان و سرایت آن به همه اروپا کاربرد علوم و فناوری و ابزار ماشینی و انرژی موجب بروز تحولات وسیع و عمیق در حجم و کیفیت و شیوه های تولید در سیستم سرمایه داری شد. و صنعتی شدن و تولید انبوه کل دنیا را تحت تأثیر قرار داد. در کنار این دگرگونی ها وقوع انقلاب های عظیم و تاریخی چون انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکتبر روسیه و جنگ های داخلی آمریکا جوامع را متأثر کرد، دستاوردهای این حرکت ها پافشاری بر تحقق حقوق بشر از جمله حاکمیت بر سرنوشت، حق انتخاب حکومت ها و پاسخگو بودن آنها، آزادی های اساسی، تساوی در برابر قانون، دموکراسی خواهی و توسعه بود.

### ب) تحول نظریه پردازی در عرصه توسعه

تغییر شیوه های سنتی و بهره مندی از ابزار آلات کارآمد و محصولات صنعتی انسان عصر مدرن را بر طبیعت و اجتماع اطراف خود مسلط کرد. و رفاه عمومی و مادی را به ارمغان آورد. بعد از قرن نوزدهم میلادی و در واقع عصر پیشرفت و مشاهده آن تغییرات و خوشبینی های ناشی از آن سبب شکل گیری تئوری های مختلف در زمینه توسعه شد. «نوسازی که مبدا و منتهای آن مدرنیته است به تأثر از تئوری های تکاملی و مکتب فلسفه تاریخ و با توجه به تجربه تاریخی اروپا و غرب، به عنوان فرآیندی عام و همگانی تلقی شد، که طی آن جوامع از حالت سنتی، روستایی و کشاورزی به حالت مدرن، شهری و صنعتی متحول می شوند. این فرآیند [ در ابتدا] به عنوان «غربی سازی» و سپس بعنوان «نوسازی» و مترادف با توسعه بکار رفت»<sup>۱</sup>.

خرابی های جنگ جهانی دوم به ویژه در کشورهای اروپایی باعث شد طرح های گوناگونی را در زمینه رفع و ترمیم خرابی ها و بحران های آن روز کشور های اروپایی آسیب دیده از جنگ و نیازمند به راه حل هایی برای فایق آمدن به مشکلات و در جهت آبادانی و به تعبیری توسعه مطرح کنند. « مدل های توسعه در این سال ها به پیشنهاد غرب و به خصوص آمریکا برای کشورهای صدمه دیده از جنگ در قاره ی اروپا مطرح شد. که مفهوم توسعه در این مدل ها مترادف با رشد اقتصادی بود.»<sup>۱</sup> این دیدگاه مدت ها به عنوان دیدگاه غالب مطرح و اغلب نظریه پردازان و برنامه ریزان پیرو این نظریه بودند. اما تحولات بعدی و تجربیات سالیان بتدریج این نظریه را در مواجهه با مشکلات جدید جوامع و پاسخ به نیازها و تحولات ناتوان دید و به تدریج متروک شد. نظریه ی نوسازی در فضایی ناشی از ظهور نظام های کمونیستی در جهان و اوج گیری مبارزات استقلال طلبانه ی، ملل جهان سوم از سوی نظریه پردازان آمریکایی مطرح شد. که عبارت بود از: فرایندی یگانه، مترقی، یک سویه، مرحله بندی شده، برگشت ناپذیر، و حرکت بسوی الگوی مطلوب یعنی جامعه آمریکا.

ویژگی این رهیافت در یک بررسی اجمالی چنین خلاصه می شود: «نظریه پردازان نوسازی، توسعه را روندی تکاملی می دیدند که با عبور از مراحل مختلف، تمامی جوامع را از حالت سنتی به مدرن تبدیل می کند.»<sup>۲</sup> تکاملی بودن این نظریه تقدم و تأخر مراحل را نیز موجب می شد. بدین صورت که هر مرحله نسبت به مرحله قبلی از برتری و اولویت برخوردار است. و توسعه را فرآیندی می دانست که جوامع با طی مراحل سنتی و سیر مسیر تکامل و با دگرگونی در عرصه مختلف همچون فناوری، اقتصاد، نظام اجتماعی و سیاسی به سوی توسعه حرکت و در واقع غربی و به عبارت بهتر آمریکایی شوند. در واقع جوامع در مسیر توسعه روی یک خط و در یک مسیر معین جای مشخصی داشته و «بسوی هدفی از پیش تعیین شده در حرکت هستند».<sup>۳</sup> از نکات بارز این نظریه تفاوت نژادی انسان ها در جوامع است. از نظر این رهیافت توسعه به عنوان یک فرآیند همگن ساز، یک سویه، روبه جلو، تدریجی و تکاملی است تحلیل های اقتصادی در این رهیافت دارای نقش اساسی و تعیین کننده هستند و همه چیز در گرو توسعه اقتصادی تلقی می شد.

با گذشت زمان و نقدهای متعدد از سوی صاحب نظران این نظریه بازنگری و مورد تجدید نظر قرار گرفت. و صورت بندی جدید از آن «نوسازی نوین» نام گرفت. که پذیرش سنت ها، تغییر در روش شناسی و توجه به تاریخ و فرهنگ و آداب و رسوم و سنت ملت ها و این حقیقت که «هر کشوری در جهان راه خاص خود را

۱) محمود عبداللہی، «جامعه شناسی و توسعه اجتماعی در ایران»، فصلنامه رهیافت، شماره ۶، سال ۱۳۷۳، ص ۱۳۷

۲) حسین نصیری، توسعه و توسعه پایدار، تهران، نشر دایره سبز، ۱۳۸۴، ص ۵۸

۳) همان، ص ۶۸

برای توسعه باید دنبال کند» بود.<sup>۱</sup> «به نظر جامعه شناسان و متخصصان علوم سیاسی نیز توسعه وجهی از نوسازی است که موجب تأسیس نهادهای اجتماعی و سیاسی می شود».<sup>۲</sup> در پرتو این مسائل و در سایه تلاش های نظریه پردازان، رهیافت های نوینی ارائه شد. با الهام از نقدهای مکاتب گذشته و بویژه رهیافت نوسازی و از دل نقد این مکتب (کلاسیک و نو) مکتب وابستگی بعنوان صدایی از اطراف ظاهر شد. در مقابل نوسازی که دلایل عقب ماندگی را درونی می دانست، این مکتب آنها را بیرونی معرفی می کرد، این رهیافت علیرغم گرایش به مارکسیسم از ایدئولوژی آن تأثیری نگرفته بود. از طرفی بحران مارکسیسم در آمریکای لاتین در دهه ی ۱۹۶۰ میلادی از عوامل ظهور این نظریه بود و همچنین از دیگر دلایل و عوامل عمده ی ارائه این رهیافت، ورشکستگی برنامه ی اکلا بود.

رهیافت بسیار انتزاعی وابستگی که بر اساس تحلیل های شناخته شده شکل گرفته بود و به توجیه پدیده ها می پرداخت، وابستگی را فرآیندی عمومی، تحمیل شده از خارج، عمدتاً "اقتصادی که قابل جمع با توسعه نیست، معرفی می کرد. توصیه های این مکتب از جمله اتکا بر قابلیت های جمعی کشورها ی پیرامون به جای تکیه بر کشورها ی محور و کنار گذاشتن نخبگان حاکم بود. دور افتادن این رهیافت از ریشه های درست علل توسعه نیافتگی موجب نقدهای بسیاری از سوی صاحب نظران شد که به قالب بندی نو از مکتب وابستگی انجامید. و منجر به رها کردن بسیاری از داعیه های آن مکتب از سوی نظریه پردازان آن شد.

از دیگر مکاتب مطرح مکتب مارکسیسم است، که با ملاحظه اثرات سوء استعمار و گسترش و تعمیق فاصله طبقاتی در سایه سرمایه داری مطرح شد. البته رهیافت مارکسیسم کلاسیک با مد نظر قرار دادن فرضیه تکامل حتی برخی از جنبه های استعمار را مثبت ارزیابی کرد. نو مارکسیست ها با نقد بخشی از میراث مارکسیسم، سعی و تلاش دامنه داری کردند که با تطبیق این نظریه با واقعیات جدید قرائتی، نو و روز آمد از این اندیشه عرضه کنند. رهیافت مارکسیسم با تأکید بیش از اندازه بر جنبه ی اقتصادی رابطه ی استعماری و نقش آن در توسعه

۱) همان، ص ۶۸

۲) شهلا کاظمی پور، «نقش آموزش و پرورش در توسعه یافتگی»، فصلنامه پژوهشکده علوم انسانی، شماره ۳، سال ۱۳۷۹، ص ۴۱

نیافتگی، دیگر ابعاد توسعه نظیر فرهنگ، سیاست و... را به فراموشی سپردند. همچنین گوناگونی بسیار زیاد دیدگاه‌های صاحب‌نظران در زمینه‌هایی چون دولت، طبقه کارگر... از نقاط ضعف این رهیافت است. به هر حال حوادثی چون فرو ریختن دیوار برلین، تجزیه امپراطوری شوروی و در هم ریختن اتحادهای شرقی ملهم از کمونیسم و شکست اردوگاه کمونیسم در دهه ۱۹۹۰ میلادی باعث روی گردانی و یا حداقل تردید جدی در مبانی این اندیشه شده است. در کنار این سه رهیافت که از عمده رهیافت‌های توسعه در جهان سوم بودند، مکاتبی چون نظام جهانی و مکتب ساختاری غیرمارکسیستی نیز پا به عرصه گذاشتند. در عمر نیم‌قرنی مباحث توسعه، جایگزینی و نقد این مکاتب و بن بست و شکست‌های متعدد در عرصه توسعه، بشر را به سوی رکن فراموش شده توسعه رهنمون شد. این رکن فراموش شده انسان و توسعه او بود.

علیرغم تکاپوی بشر در طی سالیان گذشته بویژه پس از جنگ جهانی دوم در سطوح ملی و بین‌المللی در قالب برنامه‌های ملی توسعه و یا از طریق سازمان‌ها و نهاد‌های بین‌المللی معمای توسعه بعنوان یک چالش فراروی بشر خودنمایی می‌کرد و می‌کند. افزایش جمعیت، کاهش منابع طبیعی، افزایش بیکاری، افزایش آلودگی، گسترش فقر و نابرابری، مشکلات بهداشتی، و... باعث بروز بحران‌های جدی در حیات بشر شده است. این عوامل ناپایداری با وجود توفیق‌های اولیه در پروژه‌های توسعه ناامیدی و یأس را در زمینه توسعه موجب شد، به صورتی که حتی صحبت از شکست پروژه توسعه به میان آمد. در دو قرن اخیر و به ویژه پس از دهه ۱۹۵۰ میلادی با گسترش توانمندی‌های ابزاری بشر، تخریب محیط زیست، غارت منابع طبیعی، حیات بشر با بحران فزاینده روبرو ساخت. و در این روند جهان سوم از همه آشفته‌تر و زیان‌دیده‌تر گردید. در گذشته انسانها، بفراسی و به غریزه دریافته بودند که رمز بقای آنها در گرو هماهنگی با طبیعت است. آنان بوضوح می‌دیدند و درک می‌کردند که بهم خوردن تعادل محیط زیست و محیط طبیعی به نابودی امکانات و رفاه و آسایش و حتی موجودیت آنها می‌انجامد.

### ج) توسعه پایدار، پاسخ ناپایداری‌ها

«تا اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی توسعه معادل با رشد فیزیکی و به معنای انباشت سرمایه بود. و در کشورهای اروپایی بطور عمده به مفهوم بهره‌برداری از منابع طبیعی کشورهای مستعمره و گشودن بازارها برای منافع آن کشورها بود. بعد از دهه ۱۹۷۰ میلادی با ارائه رهیافت و تحلیل نتایج تجربه‌های قبلی، بانگ تغییر و تجدیدنظر در نگاه به توسعه، توسعه اقتصادی روندی تعریف شد که تغییرات در عوامل غیر کمی مانند نهادها، سازمان‌ها و فرهنگ را هم در بر می‌گرفت. بهبود آموزش، بهداشت و توجه ویژه به سرمایه انسانی در کنار سرمایه فیزیکی